

بیانیه گام دوم انقلاب
خطاب به ملت بزرگ ایران





الرضا للرحمة

تألی بر بیانیه گام دوم انقلاب

با مقدمه حجت الاسلام والمسلمین

محمد رضا فلاح



مقدمه

« به نظر شما توجه به بیانیه گام دوم چه اهمیتی دارد و تحلیل شما از چرایی صدور بیانیه چیست؟ »

من فکر میکنم حضرت آقا به تعبیری یک معاینه و تحلیلی از اوضاع امروز و اوضاع پیش روی انقلاب داشتند که براساس آن این بیانیه را صادر کردند.

چهل سالگی فرصت خوبی برای بیان صحبت‌های جدی بود. اگر بیانیه خوب عرضه شود و تبدیل به گفتمان و نقشه راه شود در اینکه ما گام پیش روی انقلاب را خوب برداریم خیلی می‌تواند مؤثر باشد. این بیانیه در واقع نسخه‌ای برای حل مشکلات کشور در سطح کلان است. رهبری معتقدند که مردم باید این که از کجا شروع کردیم و در کجا هستیم و چه دستاوردهایی داشته‌ایم را ببینند و جامع هم ببینند و طبیعا مسیر پیش رو و سختی‌ها و پیچیدگی‌ها و ضرورت‌هایی که توأمان باید دنبال شوند را دریابند. یکی از معضلات در برخورد با بیانیه این است که یکی از بندهای هفت‌گانه بیانیه به تنهایی برجسته شود و موضوع کار قرار بگیرد که اگر این مد نظر رهبری بود به بیان همان نکته بسنده می‌کردند ولی ایشان یک

بسته را عرضه کردند.

اگر ما موقف انقلاب را خوب متوجه بشویم و ضرورت‌های پیش روی آن را ببینیم آمادگی لازم را در خودمان فراهم و این مسیر را به خوبی طی خواهیم کرد. مسئله در ذهن بنده خیلی واضح است. انقلاب در یک مسیری قرار داشت و برای اینکه مرحله بعدی اش را طی کند نیاز به این داشته که نیازمندی‌هایش به رخ جامعه انقلابی کشیده شود. یکی از این نیازمندی‌ها تامل و خودآگاهی است. جامع‌نگری و نقشه‌مسیر و ضرورت‌های حرکت را معین کردن هم از دیگر نیازمندی‌های ادامه‌مسیر است. یکی دیگر از نیازمندی‌های اساسی تغییر نسل از مهاجرین و انصار به تابعین در برداشتن بار انقلاب است. یعنی جوانها باید زیر بار اداره حاکمیتی که تا ابد قرار است از انقلابی بودنش دفاع بکنیم بروند و انقلابی‌تر از گذشته گام پیش رو را بردارند.

در فهم بیانیه هم باید کاملاً ناظر به عینیت و واقعیت باشیم تا آن را درست بفهمیم. کسی که کاسب است آیات تجاری قرآن را بهتر می‌فهمد یا کسی که مادر است روایات مربوط به محبت مادر را درک میکند. الان هم واقعیتی به نام انقلاب وجود

دارد و این بیانیه کمک می کند که ما این واقعیت را به درستی بفهمیم. لذا مقام معظم رهبری برای اینکه بگویند نیاز کنونی انقلاب این است و باید دنبال شود این بیانیه را صادر کرده اند.

اگر من بخواهم مباحث بیانیه را دسته بندی بکنم اینطور میگویم که جامعه ما نیاز به یک خودآگاهی دارد تا بداند که در کجا بوده ایم و اکنون به کجا رسیده ایم و چه دستاوردهایی داریم و در مرحله بعد توجه دادن به این نکته است که این دستاوردها را ببینیم. دشمن را ببینیم و راهی را که علی رغم دشمنی ها پیش رفته ایم بنگریم نکته دومی که ایشان لازم می دانند امید است و این امید یک امید واهی نیست چون اگر واقعیات به خوبی دیده شوند این امیدواری رخ خواهد داد. به بیان دیگر در برهه کنونی که مفصل حرکت انقلاب است آمادگی هایی نیاز است مثلاً یکی از این آمادگی ها دل بریدن از غرب است. یکی دیگر از این الزامات پرچمداری به دست جوانان انقلابی مومن است.

آیادل بریدن از غرب خودِ خودآگاهی نیست؟

نه؛ این دل بریدن نتیجه خودآگاهی است. یعنی جامعه با مرور کردن تجربیاتش و با اعتماد به سنن الهی به دل بریدن از غرب خواهد رسید. راه اینکه خودسازی و جامعه سازی و تمدن سازی بهتر اتفاق بیفتد و بتوانیم آن اتفاق اصلی را رقم بزنیم باید مردم اراده کنند. یعنی اول باید به خودآگاهی برسیم و بعد از آن اراده کنیم و بخواهیم که اتفاقی رقم بخورد. مقام معظم رهبری در اول فروردین فرمودند که مسئله، اراده مردم به خصوص جوانان است. اگر ملت تصمیم بگیرند تا به سمت اهداف و آرمانهای خودشان استوار حرکت بکنند کار تمام است. دشمن هم این نکته را فهمیده است و همه تلاشش را می کند تا این اراده را تضعیف کند. رهبری در آن دیدار در بخشی از فراز پایانی فرمایشاتشان دوازده بار از این واژه استفاده کرده اند. یعنی چکیده صحبت ایشان همین بود. یکی دیگر از نکات اصلی بیانیه این است که ما پای حرفمان ایستاده ایم و در همان جهت حرکت می کنیم. ثبات گفتمانی و ثبات مقاصد و اهداف داریم.

« وضعیت کنونی ما به تعبیر رهبری وضعیت جنگ احزاب است. حال با توجه به بیانیه چطور این نکات را بیان کنیم که در زندگی مردم ملموس باشد؟

تمثیلی که در این زمینه می شود گفت تمثیل کوه است. قله این کوه ولایت عظمی است. نزدیک به قله تمدن اسلامی است و پای کوه هم می شود انقلاب. الان ما در قسمتی از کوه هستیم که شیب تندتری نسبت به بقیه جاها دارد یعنی طی این مسیر سخت تر است، اینجای راه و مسیر خودش سختی دارد. ما تا به حال خیلی خوب مسیر را طی کرده ایم و این طی مسیر به گونه ای بوده است که ما را امیدوار کند که ادامه راه را هم می توانیم طی کنیم. اشکالاتی هم داشته ایم اما اگر از آنها درس بگیریم در ادامه راه موفق تر خواهیم بود. من جنس راه را اینگونه می فهمم. درست است که در جنگ احزاب خیلی به مسلمین سخت گذشت ولی این جنگ بدون خونریزی به پایان رسید. یعنی در هنگامی که مسلمانان در وضعیت انفعال و سختی و گرسنگی بودند بدون خونریزی به پیروزی رسیدند. بعد از آن هم فتح مکه بدون جنگ و خونریزی صورت گرفت.

یعنی به یک اعتبار این جنگ خیلی سخت است ولی به اعتبار دیگر خیلی امیدوار کننده است چون ما داریم به قله و پیروزی نزدیکتر می شویم. برای کسی هم که تا اینجای مسیر آمده است ادامه راه طی شدنی تر است.

« در شرایط کنونی طلاب چه وظیفه ای دارند؟ »

طلبه مکلف به فهم، ترویج و اقامه دین است. این جزوهویت، رسالت و ماموریت طلبه است. اقامه دین در عصر حاضر پیشبرد انقلاب اسلامی است. امروز محور تجسم اسلام ناب، انقلاب اسلامی است. طلبه برای تبلیغ و ترویج دین باید عالم به زمانه باشد و نیازهای زمانه دینی جامعه را برطرف کند. طلبه باید پاسخگوی مسئله های زمانه جامعه دینی اش باشد. اینکه اکنون انقلاب اسلامی در چه موقفی قرار دارد مسئله طلبه است. طلبه مکلف است حرکت جامعه را در مسیر آرمانهای دینی و در مسیر انتظار امام عصر (عج) با روشنگری و تبیین هموار بکند.

اساس برنامه راهبردی اسلام تبیین است. تبیین نیازهای بر زمین مانده جامعه بر اساس دین. یکی از ویژگی های این بیانیه است که مبانی قرآنی واضحی دارد. مثلاً وقتی منطلق حرکت جامعه دینی را دنبال

می کنیم جایگاه بیانیه را در آن می توانیم پیدا کنیم. برای فراز به فراز بیانیه هم میتوان مضامین قرآنی پیدا کرد. یکی از بزرگوران سرشناس فرمودند چهارصد آیه مستقیماً همین مضامین بیانیه را دارند و بیانیه مبتنی بر روح کلی فهم ما از حرکت پیامبر (ص) در نقطه های عطف است. حتی اگر آقا را ولی فقیه نبینیم خودمان باید به صحنه جامعه اسلامی نگاه کنیم، نیازهای دینی جامعه را شناسائی کنیم و با ابزار تبیین در مسیر اقامه دین و راهبری فرهنگی جامعه بکوشیم. این توصیفی که آقا مطرح کردند توصیفی نیست که تعبدی بپذیریم بلکه باید به صورت انضمامی آن را بفهمیم. هر کسی به انقلاب نگاه کند به نظر من کم و بیش با یک ضعفی همین نکات را می فهمد. علت این هم که ذهن ما در تحلیل نهایی از حضرت آقا خیلی دور نیست این است که ایشان سهم بسیار زیادی در گفتمانی که در جامعه ایجاد شده و ادبیات و طرز فکر و زاویه دید طلاب جوان دارند. خیلی ها به صورت ناخودآگاه دارند با دستگاه فکری حضرت آقا فکر میکنند. البته وقتی به اساس آن گفتمان و به صحنه انقلاب نگاه می کنند نمی توانند به اشرف آقا بر عرض و طول و ژرفا و جامعیت نگاه آقا انقلاب را ببینند ولی شبیه به همین نیازها

را می‌توانند تصدیق کنند و با راهنمایی و راهبری آقا
 حتماً توجهاتشان بیشتر می‌شود. فلذا طلبه موظف
 بر تبیین مسئله‌های جامعه است. شهید مطهری
 می‌فرماید طلبه مثل طبیب است. طلبه باید آلام
 روحی و گرفتاری‌ها و مشکلات جامعه را حل کند.
 اگر جامعه گرفتار ناامیدی باشد طلبه موظف است بر
 اساس دین و به نام تبیین دین امیدواری را در جامعه
 ترویج بدهد امیدواری به حضرت حق، امید به اراده
 مومنین، امید به حرکت جامعه اسلامی. بیانیه دقیقاً
 یک راهنما برای طلبه است که اگر نقش راهبردی
 طلبه تبیین است این بیانیه نیازسنجی‌های روی
 زمین جامعه را به او نشان می‌دهد تا به آنها پاسخ
 دهد. لذا طلبه باید حقیقت و واقعیت جامعه که ما
 به آن نیاز امروز جامعه انقلابی می‌گوییم و در بیانیه
 منعکس است را به جامعه منتقل کند چه اس‌مس
 از بیانیه بیاورد و چه نیارد. یکی از بهترین فرصتهای
 تبیین نیازهای جامعه دینی ماه مبارک رمضان است.
 ماه مبارک ماه قرآن است. لذا بهترین فرصت است
 که طلاب به صورت قرآنی نیازها و دردهای جامعه را
 تبیین کنند و راهکارهای عبور از مشکلات پیش‌رو را
 به صورت قرآنی به جامعه عرضه نمایند و یک عزم و
 اراده عمومی برای استقامت و امید ایجاد کنند.



متن میانیه

گام دوم

◀ بیانیه «گام دوم انقلاب»

انقلاب کبیر اسلامی ایران در حالی چهلمین سالگرد پیروزی خود را پشت سر گذاشت و قدم به دهه‌ی پنجم حیات خود نهاد که اگرچه دشمنان مستکبرش گمان‌های باطلی در سر داشتند اما دوستانش در سراسر جهان، امیدوارانه آن را در گذر از چالش‌ها و به دست آوردن پیشرفت‌های خیره‌کننده، همواره سربلند دیده‌اند.

در چنین نقطه‌ی عطفی، رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه‌ی گام دوم انقلاب» و برای ادامه‌ی این راه روشن، به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه‌ی گذشته پرداخته و توصیه‌هایی اساسی به منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه فرموده‌اند.

بیانیه‌ی «گام دوم انقلاب» تجدید مطلعی است خطاب به ملت ایران و به‌ویژه جوانان که به‌مثابه منشوری برای «دومین مرحله‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» خواهد بود و «فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی» را رقم خواهد زد.

این گام دوم، انقلاب را «به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) هست» نزدیک خواهد کرد.

متن کامل این بیانیه به این شرح است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطاهرين وصحبه المنتجبين ومن
تبعهم باحسان الى يوم الدين.

« ورود انقلاب اسلامی به دومین مرحله‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی

از میان همه‌ی ملت‌های زیرستم، کمتر ملتی
به انقلاب همّت می‌گمارد؛ و در میان ملت‌هایی که
به پا خاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که
توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به جز تغییر
حکومت‌ها، آرمان‌های انقلابی را حفظ کرده باشند. اما
انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین

انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله‌ی پُرافتخار را بدون خیانت به آرمانهایش پشت سر نهاده و در برابر همه‌ی وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر میرسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دوّمین مرحله‌ی خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدّن‌سازی شده است. درودی از اعماق دل بر این ملت؛ بر نسلی که آغاز کرد و ادامه داد و بر نسلی که اینک وارد فرایند بزرگ و جهانی چهل سال دوّم میشود.

« پیروزی انقلاب اسلامی؛ آغازگر عصر جدید عالم

آن روز که جهان میان شرق و غرب مادّی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود. طبیعی بود که سردمداران گمراهی و ستم واکنش نشان دهند، اما این واکنش ناکام ماند. چپ و راستِ مدرنیته، از تظاهر به نشنیدن این صدای جدید و متفاوت، تا تلاش گسترده و گونه‌گون برای خفه

کردن آن، هرچه کردند به اجل محتوم خود نزدیک‌تر شدند. اکنون با گذشت چهل جشن سالانه‌ی انقلاب و چهل دهه‌ی فجر، یکی از آن دو کانون دشمنی نابود شده و دیگری با مشکلاتی که خبراز نزدیکی احتضار می‌دهند، دست‌وپنجه نرم می‌کند! و انقلاب اسلامی با حفظ و پایبندی به شعارهای خود همچنان به پیش می‌رود.

« شعارهای جهانی، فطری، درخشان و همیشه‌زنده‌ی انقلاب اسلامی

برای همه چیز میتوان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آنها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه‌ی عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری، هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمیتوان مردمی را تصوّر کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از روی‌گردانی مسئولان از این ارزشهای دینی بوده

است و نه از پایبندی به آنها و کوشش برای تحقق آنها.

« دفاع ابدی از نظریه‌ی نظام انقلابی

انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و بارآده، همواره دارای انعطاف و آماده‌ی تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حساسیت مثبت نشان میدهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرفهای بی عمل می‌شمارد، اما به هیچ بهانه‌ای از ارزشهایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد. انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمیشود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بینند، بلکه از نظریه‌ی نظام انقلابی تا ابد دفاع میکنند.

« جمهوری اسلامی و فاصله‌ی میان بایدها

و واقعیت‌ها

جمهوری اسلامی، متحجّر و در برابر پدیده‌ها و موقعیتهای نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست،

اما به اصول خود بشدت پایبند و به مرزبندی های خود با رقیبان و دشمنان بشدت حساس است. با خطوط اصلی خود هرگز بی مبالاتی نمیکند و برایش مهم است که چرا بماند و چگونه بماند. بی شک فاصله ی میان بایدها و واقعیتهای، همواره وجدانهای آرمان خواه را عذاب داده و میدهد، اما این، فاصله ای طی شدنی است و در چهل سال گذشته در مواردی بارها طی شده است و بی شک در آینده، با حضور نسل جوان مؤمن و دانا و پُرانگیزه، با قدرت بیشتر طی خواهد شد.

« انقلاب اسلامی؛ مایه ی سربلندی ایران و ایرانی

انقلاب اسلامی ملت ایران، قدرتمند اما مهربان و باگذشت و حتی مظلوم بوده است. مرتکب افراطها و چپ روی هایی که مایه ی ننگ بسیاری از قیامها و جنبشها است، نشده است. در هیچ معرکه ای حتی با آمریکا و صدام، گلوله ی اول را شلیک نکرده و در همه ی موارد، پس از حمله ی دشمن از خود دفاع کرده و البته ضربت متقابل را محکم فرود آورده است. این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی رحم و خون ریز بوده و نه منفعل و مردّد. با صراحت و شجاعت در

برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. این جوانمردی و مروّت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنه‌ی عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه‌ی سربلندی ایران و ایرانی است، و همواره چنین باد.

« برای برداشتن گامهای استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت

اینک در آغاز فصل جدیدی از زندگی جمهوری اسلامی، این بنده‌ی ناچیز مایلم با جوانان عزیزم، نسلی که پا به میدان عمل میگذارد تا بخش دیگری از جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ را آغاز کند، سخن بگویم. سخن اوّل درباره‌ی گذشته است.

عزیزان! نادانسته‌ها را جز با تجربه‌ی خود یا گوش سپردن به تجربه‌ی دیگران نمیتوان دانست. بسیاری از آنچه را ما دیده و آزموده‌ایم، نسل شما هنوز نیاموده و ندیده است. ما دیده‌ایم و شما خواهید دید. دهه‌های آینده دهه‌های شما است و شما باید کار آزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش

که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفاذ) است، نزدیک کنید. برای برداشتن گامهای استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت؛ اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت. دشمنان انقلاب با انگیزه‌ای قوی، تحریف و دروغ‌پردازی درباره‌ی گذشته و حتی زمان حال را دنبال میکنند و از پول و همه‌ی ابزارها برای آن بهره میگیرند. رهزان فکر و عقیده و آگاهی بسیارند؛ حقیقت را از دشمن و پیاده‌نظامش نمیتوان شنید.

« آغاز انقلاب و نظام اسلامی از نقطه‌ی صفر

انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن، از نقطه‌ی صفر آغاز شد؛

اولاً: همه چیز علیه ما بود، چه رژیم فاسد طاغوت که علاوه بر وابستگی و فساد و استبداد و کودتایی بودن، اولین رژیم سلطنتی در ایران بود که به دست بیگانه - و نه به زور شمشیر خود - بر سر کار آمده بود، و چه دولت آمریکا و برخی دیگر از دولتهای غربی، و چه وضع بشدت نابسامان داخلی و عقب افتادگی

شرم آور در علم و فناوری و سیاست و معنویت و هر فضیلت دیگر.

ثانیاً: هیچ تجربه‌ی پیشینی و راه‌طی شده‌ای در برابر ما وجود نداشت. بدیهی است که قیام‌های مارکسیستی و امثال آن نمیتوانست برای انقلابی که از متن ایمان و معرفت اسلامی پدید آمده است، الگو محسوب شود. انقلابیون اسلامی بدون سرمشق و تجربه آغاز کردند و ترکیب جمهوریت و اسلامیت و ابزارهای تشکیل و پیشرفت آن، جز با هدایت الهی و قلب نورانی و اندیشه‌ی بزرگ امام خمینی، به دست نیامد. و این نخستین درخشش انقلاب بود.

« تقابل دوگانه‌ی جدید «اسلام و استکبار»؛ پدیده‌ی

برجسته‌ی جهان معاصر

پس آنگاه انقلاب ملت ایران، جهان دوقطبی آن روز را به جهان سه‌قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطب‌های جدید قدرت، تقابل دوگانه‌ی جدید «اسلام و استکبار» پدیده‌ی برجسته‌ی جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد. از سویی نگاه امیدوارانه‌ی ملت‌های زیرستم و جریان‌های آزادی‌خواه جهان و

برخی دولتهای مایل به استقلال، و از سویی نگاه کینه‌ورزانه و بدخواهانه‌ی رژیم‌های زورگو و قلدرهای باج‌طلب عالم، بدان دوخته شد. بدین‌گونه مسیر جهان‌تغییر یافت و زلزله‌ی انقلاب، فرعونهای در بسترِ راحت آرمیده را بیدار کرد؛ دشمنی‌ها با همه‌ی شدت آغاز شد و اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه‌ی این ملت و رهبری آسمانی و تأییدشده‌ی امام عظیم‌الشأن ما، تاب آوردن در برابر آن همه خصومت و شقاوت و توطئه و خباثت، امکان‌پذیر نمیشد.

« مدیریت جهادی و اعتقاد به اصل «مامیتوانیم»؛

عامل عزت و پیشرفت ایران در همه‌ی عرصه‌ها

به‌رغم همه‌ی این مشکلات طاقت‌فرسا، جمهوری اسلامی روزبه‌روز گامهای بلندتر و استوارتری به جلو برداشت. این چهل سال، شاهد جهادهای بزرگ و افتخارات درخشان و پیشرفتهای شگفت‌آور در ایران اسلامی است. عظمت پیشرفتهای چهل‌ساله‌ی ملت ایران آنگاه بدرستی دیده میشود که این مدّت، با مدّتهای مشابه در انقلابهای بزرگی همچون انقلاب فرانسه و انقلاب اکتبر شوروی و انقلاب هند مقایسه

شود. مدیریت‌های جهادی الهام‌گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما میتوانیم» که امام بزرگوار به همه‌ی ما آموخت، ایران را به عزّت و پیشرفت در همه‌ی عرصه‌ها رسانید.

« برکات بزرگ انقلاب اسلامی »

انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار بشدّت تحقیر شده و بشدّت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛ در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده‌ی ملی را که جان‌مایه‌ی پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد؛ آنگاه جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه‌ی مدیریت کرد؛ روحیه و باور «ما میتوانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، اتکاء به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد:

« یک) ثبات و امنیت و حفظ تمامیت ارضی ایران

اولاً؛ ثبات و امنیت کشور و تمامیت ارضی و حفاظت از مرزها را که آماج تهدید جدی دشمنان قرار گرفته بود ضمانت کرد و معجزه‌ی پیروزی در جنگ هشت ساله و شکست رژیم بعثی و پشتیبانان آمریکایی و اروپایی و شرقی‌اش را پدید آورد.

« دو) موتور پیشران کشور در عرصه‌ی علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی

ثانیاً؛ موتور پیشران کشور در عرصه‌ی علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی شد که تا اکنون ثمرات بالنده‌ی آن روزبه‌روز فراگیرتر میشود. هزاران شرکت دانش‌بنیان، هزاران طرح زیرساختی و ضروری برای کشور در حوزه‌های عمران و حمل‌ونقل و صنعت و نیرو و معدن و سلامت و کشاورزی و آب و غیره، میلیون‌ها تحصیل‌کرده‌ی دانشگاهی یا در حال تحصیل، هزاران واحد دانشگاهی در سراسر کشور، ده‌ها طرح بزرگ از قبیل چرخه‌ی سوخت هسته‌ای، سلول‌های بنیادی، فناوری نانو، زیست‌فناوری و غیره با

رتبه‌های نخستین در کل جهان، شصت برابر شدن صادرات غیرنفتی، نزدیک به ده برابر شدن واحدهای صنعتی، ده‌ها برابر شدن صنایع از نظر کیفی، تبدیل صنعت مونتاژ به فناوری بومی، برجستگی محسوس در رشته‌های گوناگون مهندسی از جمله در صنایع دفاعی، درخشش در رشته‌های مهم و حساس پزشکی و جایگاه مرجعیت در آن و ده‌ها نمونه‌ی دیگر از پیشرفت، محصول آن روحیه و آن حضور به آن احساس جمعی است که انقلاب برای کشور به ارمغان آورد. ایران پیش از انقلاب، در تولید علم و فناوری صفر بود، در صنعت به جز مونتاژ و در علم به جز ترجمه هنری نداشت.

« سه) به اوج رسانیدن مشارکت مردمی و مسابقه‌ی خدمت‌رسانی

ثالثاً: مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی به اوج رسانید و در موضوعات اجتماعی مانند کمک‌رسانی‌ها و فعالیت‌های نیکوکاری که از پیش از انقلاب آغاز شده بود، افزایش چشمگیر داد. پس از انقلاب، مردم

در مسابقه‌ی خدمت‌رسانی در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی مشتاقانه شرکت میکنند.

« چهار) ارتقاء شگفت‌آورینش سیاسی آحاد مردم

رابعاً: بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین‌المللی را به گونه‌ی شگفت‌آوری ارتقاء داد. تحلیل سیاسی و فهم مسائل بین‌المللی در موضوعاتی همچون جنایات غرب بخصوص آمریکا، مسئله‌ی فلسطین و ظلم تاریخی به ملت آن، مسئله‌ی جنگ‌افروزی‌ها و رذالتهای و دخالتهای قدرتهای قلدر در امور ملّتها و امثال آن را از انحصار طبقه‌ی محدود و عزلت‌گزیده‌ای به نام روشنفکر، بیرون آورد؛ این‌گونه، روشنفکری میان عموم مردم در همه‌ی کشور و همه‌ی ساحتهای زندگی جاری شد و مسائلی از این دست حتّی برای نوجوانان و نونهالان، روشن و قابل فهم گشت.

« پنج) سنگین کردن کفه‌ی عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور

خامساً: کفه‌ی عدالت را در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین کرد. نارضایتی این حقیر از

کارکرد عدالت در کشور به دلیل آنکه این ارزش والا باید گوهربی همتا بر تارک نظام جمهوری اسلامی باشد و هنوز نیست، نباید به این معنی گرفته شود که برای استقرار عدالت کار انجام نگرفته است. واقعیت آن است که دستاوردهای مبارزه با بی‌عدالتی در این چهار دهه، با هیچ دوره‌ی دیگر گذشته قابل مقایسه نیست. در رژیم طاغوت بیشترین خدمات و درآمدهای کشور در اختیار گروه کوچکی از پایتخت‌نشینان یا همسانان آنان در برخی دیگر از نقاط کشور بود. مردم بیشتر شهرها بویژه مناطق دوردست و روستاها در آخر فهرست و غالباً محروم از نیازهای اولیه‌ی زیرساختی و خدمت‌رسانی بودند. جمهوری اسلامی در شمار موفق‌ترین حاکمیت‌های جهان در جابه‌جایی خدمت و ثروت از مرکز به همه‌جای کشور، و از مناطق مرفه‌نشین شهرها به مناطق پایین دست آن بوده است. آمار بزرگ راه‌سازی و خانه‌سازی و ایجاد مراکز صنعتی و اصلاح امور کشاورزی و رساندن برق و آب و مراکز درمانی و واحدهای دانشگاهی و سد و نیروگاه و امثال آن به دورترین مناطق کشور، حقیقتاً افتخار آفرین است؛ بی‌شک این همه، نه در تبلیغات نارسای مسئولان انعکاس یافته و نه زبان بدخواهان خارجی و داخلی

به آن اعتراف کرده است؛ ولی هست و حسنه‌ای برای مدیران جهادی و بااخلاص نزد خدا و خلق است. البته عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی برتر از اینها است و چشم امید برای اجرای آن به شما جوانها است که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

« شش) افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه

سادساً: عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه بگونه‌ای چشمگیر افزایش داد. این پدیده‌ی مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از هر چیز رواج داد؛ آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه‌های مادی، در رأس کشوری قرار گرفت که مایه‌های ایمان مردمش بسی ریشه‌دار و عمیق بود. هرچند دست تطاول تبلیغات مروج فساد و بی‌بندوباری در طول دوران پهلوی‌ها به آن ضربه‌های سخت زده و لجن‌زاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و بخصوص جوانان کشانده بود، ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی بویژه

جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد. مجاهدتهای جوانان در میدانهای سخت از جمله دفاع مقدّس، با ذکر و دعا و روحیه‌ی برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد. پدران و مادران و همسران با احساس وظیفه‌ی دینی از عزیزان خود که به جبهه‌های گوناگون جهاد می‌شتافتند دل‌کنند و سپس، آنگاه که با پیکر خون‌آلود یا جسم آسیب‌دیده‌ی آنان روبه‌رو شدند، مصیبت را با شکر همراه کردند. مساجد و فضاهای دینی رونقی بی‌سابقه گرفت. صف نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان و استاد و دانشجو و زن و مرد و صف نوبت برای اردوهای جهادی و جهاد سازندگی و بسیج سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فداکار آکنده شد. نماز و حج و روزه‌داری و پیاده‌روی زیارت و مراسم گوناگون دینی و انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه جا بویژه میان جوانان رونق یافت و تا امروز، روزه‌روز بیشتر و با کیفیت‌تر شده است. و اینها همه در دورانی اتّفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات پُرحجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجنزارهای فساد، اخلاق و معنویّت را در بخشهای عمده‌ی عالم منزوی کرده

است؛ و این معجزه‌ای دیگر از انقلاب و نظام اسلامی
فعال و پیشرو است.

« هفت) ایستادگی روزافزون در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان

سابعاً؛ نماد پُرابتهت و باشکوه و افتخارآمیز
ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران
جهان و در رأس آنان آمریکای جهان خوار و جنایت‌کار،
روزبه‌روز برجسته‌تر شد. در تمام این چهل سال،
تسلیم‌ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و
عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته‌ی آن
در مقابل دولتهای متکبر و مستکبر، خصوصیت
شناخته‌شده‌ی ایران و ایرانی بویژه جوانان این
مرز و بوم به‌شمار میرفته است. قدرتهای انحصارگر
جهان که همواره حیات خود را در دست‌اندازی به
استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی
آنها برای مقاصد شوم خود دانسته‌اند، در برابر ایران
اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کردند. ملت
ایران در فضای حیات بخش انقلاب توانست نخست
دست‌نشانده‌ی آمریکا و عنصر خائن به ملت را از
کشور براند و پس از آن هم تا امروز از سلطه‌ی دوباره‌ی

قلمدان جهانی بر کشور با قدرت و شدت جلوگیری کند.

« انقلاب چهل ساله و گام بزرگ دوم

جوانان عزیز! اینها بخشی محدود از سرفصل‌های عمده در سرگذشت چهل ساله‌ی انقلاب اسلامی است؛ انقلاب عظیم و پایدار و درخشانی که شما به توفیق الهی باید گام بزرگ دوم را در پیشبرد آن بردارید.

محصول تلاش چهل ساله، اکنون برابر چشم ما است: کشور و ملتی مستقل، آزاد، مقتدر، باعزت، متدین، پیشرفته در علم، انباشته از تجربه‌هایی گران بها، مطمئن و امیدوار، دارای تأثیر اساسی در منطقه و دارای منطق قوی در مسائل جهانی، رکورددار در شتاب پیشرفته‌های علمی، رکورددار در رسیدن به رتبه‌های بالا در دانشها و فناوری‌های مهم از قبیل هسته‌ای و سلول‌های بنیادی و نانو و هوافضا و امثال آن، سرآمد در گسترش خدمات اجتماعی، سرآمد در انگیزه‌های جهادی میان جوانان، سرآمد در جمعیت جوان کارآمد، و بسی

ویژگی‌های افتخارآمیز دیگر که همگی محصول انقلاب و نتیجه‌ی جهت‌گیری‌های انقلابی و جهادی است. و بدانید که اگر بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل ساله نمی‌بود- که متأسفانه بود و خسارت بار هم بود- بی‌شک دستاوردهای انقلاب از این بسی بیشتر و کشور در مسیر رسیدن به آرمانهای بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمی‌داشت.

« اقتدار انقلاب اسلامی و تغییر چالش‌ها و شکست مستکبران

۳۳

ایران مقتدر، امروز هم مانند آغاز انقلاب با چالش‌های مستکبران روبه‌رو است اما با تفاوتی کاملاً معنی‌دار. اگر آن روز چالش با آمریکا بر سر کوتاه کردن دست عمال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران یا رسوا کردن لانه‌ی جاسوسی بود، امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه‌ی غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته‌ی

حزب الله و مقاومت در سراسر این منطقه است. و اگر آن روز، مشکل غرب جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای ایران بود، امروز مشکل او جلوگیری از انتقال سلاحهای پیشرفته‌ی ایرانی به نیروهای مقاومت است. و اگر آن روز گمان آمریکا آن بود که با چند ایرانی خودفروخته یا با چند هواپیما و بالگرد خواهد توانست بر نظام اسلامی و ملت ایران فائق آید، امروز برای مقابله‌ی سیاسی و امنیتی با جمهوری اسلامی، خود را محتاج به یک ائتلاف بزرگ از ده‌ها دولت معاند یا مرعوب می‌بینند و البته باز هم در رویارویی، شکست می‌خورد. ایران به برکت انقلاب، اکنون در جایگاهی متعالی و شایسته‌ی ملت ایران در چشم جهانیان و عبور کرده از بسی گردنه‌های دشوار در مسائل اساسی خویش است.

« جوانان؛ محور تحقق نظام پیشرفته‌ی اسلامی »

اما راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمانهای بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله‌ی این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان،

کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه‌ی میدانهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره‌گیرند، نگاه انقلابی و روحیه‌ی انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی بسازند.

« نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی؛ مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور

۲۵

نکته‌ی مهمی که باید آینده‌سازان در نظر داشته باشند، این است که در کشوری زندگی میکنند که از نظر ظرفیتهای طبیعی و انسانی، کم‌ظیر است و بسیاری از این ظرفیتهای با غفلت دست‌اندرکاران تاکنون بی‌استفاده یا کم‌استفاده مانده است. همتهای بلند و انگیزه‌های جوان و انقلابی، خواهند توانست آنها را فعال و در پیشرفت مادی و معنوی کشور به معنی واقعی جهش ایجاد کنند.

مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی

انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. جمعیت جوان زیر ۴۰ سال که بخش مهمی از آن نتیجه‌ی موج جمعیتی ایجاد شده در دهه‌ی ۶۰ است، فرصت ارزشمندی برای کشور است. ۳۶ میلیون نفر در سنین میانه‌ی ۱۵ و ۴۰ سالگی، نزدیک به ۱۴ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی، رتبه‌ی دوم جهان در دانش آموختگان علوم و مهندسی، انبوه جوانانی که با روحیه‌ی انقلابی رشد کرده و آماده‌ی تلاش جهادی برای کشورند، و جمع چشمگیر جوانان محقق و اندیشمندی که به آفرینش‌های علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره اشتغال دارند؛ اینها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته‌ی مادی با آن مقایسه نمیتواند شد.

« فهرست طولانی فرصتهای مادی کشور

به جز اینها، فرصتهای مادی کشور نیز فهرستی طولانی را تشکیل میدهد که مدیران کارآمد و پُرانگیزه و خردمند میتوانند با فعال کردن و بهره‌گیری از آن، درآمدهای ملی را با جهشی نمایان افزایش داده و کشور را ثروتمند و بی‌نیاز و به معنی واقعی دارای اعتماد به نفس کنند و مشکلات کنونی را برطرف

نمایند. ایران با دارا بودن یک درصد جمعیت جهان، دارای ۷ درصد ذخایر معدنی جهان است: منابع عظیم زیرزمینی، موقعیت استثنائی جغرافیایی میان شرق و غرب و شمال و جنوب، بازار بزرگ ملی، بازار بزرگ منطقه‌ای با داشتن ۱۵ همسایه با ۶۰۰ میلیون جمعیت، سواحل دریایی طولانی، حاصلخیزی زمین با محصولات متنوع کشاورزی و باغی، اقتصاد بزرگ و متنوع، بخش‌هایی از ظرفیتهای کشور است؛ بسیاری از ظرفیتهای دست‌نخورده مانده است. گفته شده است که ایران از نظر ظرفیتهای استفاده‌نشده‌ی طبیعی و انسانی در رتبه‌ی اول جهان است. بی‌شک شما جوانان مؤمن و پرتلاش خواهید توانست این عیب بزرگ را برطرف کنید. دهه‌ی دوّم چشم‌انداز، باید زمان تمرکز بر بهره‌برداری از دستاوردهای گذشته و نیز ظرفیتهای استفاده‌نشده باشد و پیشرفت کشور از جمله در بخش تولید و اقتصاد ملی ارتقاء یابد.

« گام دوم و سرفصلها و توصیه‌های اساسی در پرتو امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده

اکنون به شما فرزندان عزیزم در مورد چند سرفصل اساسی توصیه‌هایی میکنم. این سرفصل‌ها عبارتند از: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی.

اما پیش از همه چیز، نخستین توصیه‌ی من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه‌ی قفلها، هیچ گامی نمیتوان برداشت. آنچه می‌گوییم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته‌ام، اما خود و همه را از نومیدی بیجا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و برحذر میدارم. در طول این چهل سال - و اکنون مانند همیشه - سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه‌نشان دادن واقعیتها،

پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه‌ی همیشگی هزاران رسانه‌ی صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت میکنند. شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره‌ی تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومیدی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است. نشانه‌های امیدبخش - که به برخی از آنها اشاره شد - در برابر چشم شما است. رویش‌های انقلاب بسی فراتر از ریزش‌ها است و دست‌ودل‌های امین و خدمتگزار، بمراتب بیشتر از مفسدان و خائنان و کیسه‌دوختگان است. دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکارهای ایرانی، در بسیاری از عرصه‌ها با چشم تکریم و احترام مینگرد. قدر خود را بدانید و با قوّت خداداد، به سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید.

و اما توصیه‌ها:

« یک، علم و پژوهش»

دانش، آشکارترین وسیله‌ی عزّت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دو بیست ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیانهای اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. ما به سوء استفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمیکنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه‌ی دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم. بحمدالله استعداد علم و تحقیق در ملت ما از متوسط جهان بالاتر است. اکنون نزدیک به دو دهه است که رستاخیز علمی در کشور آغاز شده و با سرعتی که برای ناظران جهانی غافلگیرکننده بود - یعنی یازده برابر شتاب رشد متوسط علم در جهان - به پیش رفته است. دستاوردهای دانش و فناوری ما در این مدت که ما را به رتبه‌ی شانزدهم در میان بیش از دو بیست کشور جهان رسانید و مایه‌ی شگفتی

ناظران جهانی شد و در برخی از رشته‌های حساس و نوپدید به رتبه‌های نخستین ارتقاء داد، همه و همه در حالی اتفاق افتاده که کشور دچار تحریم مالی و تحریم علمی بوده است. ما با وجود شنا در جهت مخالف جریان دشمن ساز، به رکوردهای بزرگ دست یافته‌ایم و این نعمت بزرگی است که به خاطر آن باید روز و شب خدا را سپاس گفت.

اما آنچه من می‌خواهم بگویم این است که این راه طی شده، با همه‌ی اهمیّتش فقط یک آغاز بوده است و نه بیشتر. ما هنوز از قلّه‌های دانش جهان بسیار عقبیم؛ باید به قلّه‌ها دست یابیم. باید از مرزهای کنونی دانش در مهم‌ترین رشته‌ها عبور کنیم. ما از این مرحله هنوز بسیار عقبیم؛ ما از صفر شروع کرده‌ایم. عقب ماندگی شرم‌آور علمی در دوران پهلوی‌ها و قاجارها در هنگامی که مسابقه‌ی علمی دنیا تازه شروع شده بود، ضربه‌ی سختی بر ما وارد کرده و ما را از این کاروان شتابان، فرسنگها عقب نگه داشته بود. ما اکنون حرکت را آغاز کرده و با شتاب پیش می‌رویم ولی این شتاب باید سالها با شدّت بالا ادامه یابد تا آن عقب افتادگی جبران شود. اینجانب همواره به دانشگاه‌ها و دانشگاهیان و مراکز پژوهش

و پژوهندگان، گرم و قاطع و جدی در این باره تذکر و هشدار و فراخوان داده‌ام، ولی اینک مطالبه‌ی عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید. سنگ بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این انقلاب، شهیدانی از قبیل شهدای هسته‌ای نیز داده است. به پاخیزید و دشمن بدخواه و کینه‌توز را که از جهاد علمی شما بشدت بیمناک است ناکام سازید.

« دو معنویت و اخلاق

معنویت به معنی برجسته کردن ارزشهای معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده‌ی همه‌ی حرکتها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت میسازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم

می‌آفریند.

شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومتها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومتها نمیتوانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانونهای ضد معنویت و اخلاق، به شیوه‌ی معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهتمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهتمی کنند.

ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانونهای ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه

و کاملاً مسئولانه صورت گیرد. و این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیرحکومتی نیست. در دوره‌ی پیش‌رو باید در این باره‌ها برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت جامعی تنظیم و اجرا شود؛ ان شاء الله.

« سه) اقتصاد

اقتصاد یک نقطه‌ی کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر میگذارد. اقتصاد البته هدف جامعه‌ی اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمیتوان به هدفها رسید. تأکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت، و توزیع عدالت‌محور، و مصرف به‌اندازه و بی‌اسراف، و مناسبات مدیریتی خردمندانه است و در سالهای اخیر از سوی اینجانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده، به خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد میتواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد.

انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. چالش بیرونی تحریم و وسوسه‌های دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم‌اثر و حتی بی‌اثر خواهد شد. چالش درونی عبارت از عیوب ساختاری و ضعفهای مدیریتی است.

مهم‌ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخشهایی از اقتصاد که در حیطه‌ی وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده‌ی اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن، و سرانجام عدم ثبات سیاستهای اجرائی اقتصاد و عدم رعایت اولویتهای وجود هزینه‌های زائد و حتی مسرفانه در بخشهایی از دستگاه‌های حکومتی است. نتیجه‌ی اینها مشکلات زندگی مردم از قبیل بیکاری جوانها، فقر درآمدی در طبقه‌ی ضعیف و امثال آن است.

راه‌حل این مشکلات، سیاستهای اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه‌های اجرائی برای همه‌ی بخشهای آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و

احساس مسئولیت، در دولتها پیگیری و اقدام شود. درون‌زایی اقتصاد کشور، مولد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدیگری نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیتهایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخشهای مهم این راه‌حل‌ها است. بی‌گمان یک مجموعه‌ی جوان و دانا و مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیش‌رو باید میدان فعالیت چنین مجموعه‌ای باشد.

جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند که همه‌ی راه‌حل‌ها در داخل کشور است. اینکه کسی گمان کند که «مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضد استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ پس راه‌حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه‌ی گرگ است» خطایی نابخشودنی است. این تحلیل سراپا غلط، هرچند گاه از زبان و قلم برخی غفلت‌زدگان داخلی صادر میشود، اما منشأ آن، کانونهای فکر و توطئه‌ی خارجی است که با صد زبان به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و افکار عمومی داخلی القاء میشود.

« چهار عدالت و مبارزه با فساد

این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده‌ی چرکین کشورها و نظامها و اگر در بدنه‌ی حکومتها عارض شود، زلزله‌ی ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنها است؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنائی تراز مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظامها است. وسوسه‌ی مال و مقام و ریاست، حتی در علوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) کسانی را لغزاند، پس خطر بروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه‌ی زهد انقلابی و ساده‌زیستی میدادند، هرگز بعید نبوده و نیست؛ و این ایجاب میکند که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه‌گانه حضور دائم داشته باشد و به معنای واقعی با فساد مبارزه کند، بویژه در درون دستگاه‌های حکومتی.

البته نسبت فساد در میان کارگزاران حکومت جمهوری اسلامی در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر و بخصوص با رژیم طاغوت که سرتاپا فساد و

فسادپرور بود، بسی کمتر است و بحمدالله مأموران این نظام غالباً سلامت خود را نگاه داشته‌اند، ولی حتی آنچه هست غیر قابل قبول است. همه باید بدانند که طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه‌ی مقامات حکومت جمهوری اسلامی است. همه باید از شیطانِ حرص بر حذر باشند و از لقمه‌ی حرام بگریزند و از خداوند در این باره کمک بخواهند و دستگاه‌های نظارتی و دولتی باید با قاطعیت و حساسیت، از تشکیل نطفه‌ی فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند. این مبارزه نیازمند انسان‌هایی با ایمان و جهادگر، و منیع الطبع با دستانی پاک و دل‌هایی نورانی است. این مبارزه بخش اثرگذاری است از تلاش همه‌جانبه‌ای که نظام جمهوری اسلامی باید در راه استقرار عدالت به کار برد.

عدالت در صدر هدف‌های اولیّه‌ی همه‌ی بعثت‌های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است؛ این، کلمه‌ای مقدّس در همه‌ی زمانها و سرزمین‌ها است و به صورت کامل، جز در حکومت حضرت ولی‌عصر (ارواح‌نافداه) میسر نخواهد شد ولی به صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده‌ی همه بویژه

حاکمان و قدرتمندان است. جمهوری اسلامی ایران در این راه گام‌های بلندی برداشته است که قبلاً بدان اشاره‌ای کوتاه رفت؛ و البته در توضیح و تشریح آن باید کارهای بیشتری صورت گیرد و توطئه‌ی واژگونه‌نمایی و لاقلم سکوت و پنهان‌سازی که اکنون برنامه‌ی جدی دشمنان انقلاب است، خنثی گردد.

با این همه، اینجانب به جوانان عزیزی که آینده‌ی کشور، چشم‌انتظار آنها است صریحاً می‌گویم آنچه تاکنون شده با آنچه باید میشده و بشود، دارای فاصله‌ای ژرف است. در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به‌طور دائم باید برای رفع محرومیتهای پدید و از شکافهای عمیق طبقاتی بشدت بی‌مناک باشد. در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه‌تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست، اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه‌خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی که همه به‌بی‌عدالتی می‌انجامد، بشدت ممنوع است؛ همچنین غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به‌هیچ‌رو مورد قبول نیست. این سخنان در قالب سیاستها و قوانین، بارها تکرار شده است ولی برای اجرای شایسته‌ی آن، چشم امید

به شما جوانها است؛ و اگر زمام اداره‌ی بخش‌های گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان - که بحمدالله کم نیستند - سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد؛ ان شاءالله.

« پنج، استقلال و آزادی

استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرتهای سلطه‌گر جهان است. و آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه‌ی افراد جامعه است؛ و این هر دو از جمله‌ی ارزشهای اسلامی‌اند و این هر دو عطیة‌ی الهی به انسانهاست و هیچ کدام تفضل حکومتها به مردم نیستند. حکومتها موظف به تأمین این دو‌اند. منزلت آزادی و استقلال را کسانی بیشتر میدانند که برای آن جنگیده‌اند. ملت ایران با جهاد چهل‌ساله‌ی خود از جمله‌ی آنهاست. استقلال و آزادی کنونی ایران اسلامی، دستاورد، بلکه خون‌آورد صد‌ها هزار انسان والا و شجاع و فداکار است؛ غالباً جوان، ولی همه دررتبه‌های رفیع انسانیت. این ثمرشجره‌ی طیبه‌ی انقلاب رابا تأویل و توجیه‌های ساده‌لوحانه و بعضاً مغرضانه، نمیتوان

در خطر قرار داد. همه - مخصوصاً دولت جمهوری اسلامی - موظف به حراست از آن با همه‌ی وجودند. بدیهی است که «استقلال» نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود، و «آزادی» نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزشهای الهی و حقوق عمومی تعریف شود.

« شش) عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن

این هرسه، شاخه‌هایی از اصل «عزت، حکمت، و مصلحت» در روابط بین‌المللی اند. صحنه‌ی جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقق یافته یا در آستانه‌ی ظهورند: تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آنها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه.

اینها بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی

به دست نمی‌آمد. سردمداران نظام سلطه نگرانند؛ پیشنهاد‌های آنها عموماً شامل فریب و خدعه و دروغ است. امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایت‌کار، تعدادی از دولتهای اروپایی را نیز خدعه‌گر و غیر قابل اعتماد میدانند. دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آنها با دقت حفظ کند؛ از ارزشهای انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؛ و در همه حال، عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کند. در مورد آمریکا حل هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت.

« هفت) سبک زندگی

سخن لازم در این باره بسیار است. آن را به فرصتی دیگر وامیگذارم و به همین جمله اکتفا میکنم که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیانهای بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه میطلبد که باز

چشم امید در آن به شما جوانها است.

در پایان از حضور سرافرازانه و افتخارانگیز و دشمن شکن ملت عزیز در بیست و دوم بهمن و چهلمین سالگرد انقلاب عظیم اسلامی تشکر میکنم و پیشانی سپاس بر درگاه حضرت حق میسایم.

سلام بر حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه)؛ سلام بر ارواح طیبه‌ی شهیدان والامقام و روح مطهر امام بزرگوار؛ و سلام بر همه‌ی ملت عزیز ایران و سلام ویژه به جوانان.

دعاگوی شما

سیدعلی خامنه‌ای

۲۲ بهمن ماه ۱۳۹۷

توضیح: تیتراهای میانی متن، جزو بیانیه نبوده و صرفاً برای دسته‌بندی مطالب قرار داده شده است.



طرح تبلیغی

گام دوم قیام

◀ طرح تبلیغی تبیین بیانیه ی گام دوم انقلاب

در ماه مبارک رمضان

مسیری که ملت اسلامی ایران برگزیده است، یعنی مسیر تحقق اراده های الهی در زمین و ادامه ی راه پیامبران و مقدمه سازی برای ظهور، با ایشار و فداکاری تعداد زیادی از بندگان مخلص خدا به موقف کنونی رسیده است.

۵۵

فهم درست از نقطه ای که شروع کردیم، مسیر پرفراز و نشیبی که در خلاف جهت حاکم بر جهان آمدیم، نقطه ای که در آن قرار داریم و چشم انداز آینده، شرط عزم و اراده برای ادامه دادن این راه نورانی است.

بیانیه ی گام دوم انقلاب، که نشان دهنده ی نکته ی شکوهمند «ثبات گفتمانی» پس از قریب به شصت سال نجواهای انقلابی توسط امام و شاگردان حقیقی او تا امروز است، در افق تصمیم بلند مدت «برپایی تمدن نوین اسلامی» تدوین شده است.

زمان مبسوطی که رهبرانقلاب برای تدوین این بیانیه صرف کردند و ارجاعات پیاپی به آن و نیز، پیگیری های مستمر ایشان از بزرگان و مدیران و مؤثران، برای تبیین آن، حجت را بر هر مبلغ و مدیر فرهنگی تمام می کند که می بایست طرح تبلیغی و فرهنگی خود را در راستای تحقق گام دوم انقلاب، سامان دهد. لذا امروز، منبر و تبلیغ و فعالیت فرهنگی و تربیتی، در صورتی می تواند به وصف انقلابی مزین شود که نسبتش را به نحو وثیقی با محتوا و اهداف بیانیه گام دوم، مشخص کرده باشد.

« سیاست های حاکم بر طرح

۱. قرآن محوری

لسان قرآن شریف، و نوع ورود و تقریری که از مسائل دارد، میدان موسّعی برای تبیین اسلام ناب که همان اسلام قرآنی است، در اختیار مبلغ می گذارد؛ خاصه در فرصت ماه مبارک رمضان که بهار قرآن است، و قلوب مؤمنان برای درک معارف و احساس نور قرآن، مستعدتر است، استفاده از مباحث تفسیری و معالم قرآنی، ظرفیتی شگرف برای مبلغ ایجاد خواهد کرد.

به عنوان مثال، تأمل در احوال امروز انقلاب اسلامی که تمام احزاب مجازی و حقیقی طاغوت در تمام عرصه‌های فرهنگی و اقتصادی برای هزیمت آن به میدان آمده‌اند، مؤمنان ژرف‌اندیش را به یاد ایام پایانی جنگ احزاب می‌اندازد؛ جنگی عظیم با محاصره‌ای طولانی که دل منافقان و بیماران را از امید به وعده الهی منصرف، و به روایت قرآن کریم آنها را متمایل به کفار نمود. آنچه می‌تواند عزم مؤمنان را در این معرکه بین‌المللی جزم نماید، تدبیر آیات حماسه‌آفرین و عبرت‌آموز سوره مبارکه‌ی احزاب است. باید توجه داشت اوج فشارها و مصائب در روزهای آخر جنگ خندق، مقارن با اشتداد ایمان و یقین جبهه حق بود و شاید بتوان اوضاع امروز انقلاب اسلامی را با آن شرایط مقایسه نمود و امید به تحقق وعده نصرت الهی را مضاعف دانست.

تجربه نشان داده است سخن گفتن از زبان قرآن، مخالفان سرسخت را نیز می‌تواند همراه می‌کند و اگر معارف قرآنی، دقیق و درست بیان شوند، زمینه پذیرش نیز بسیار مهیاتر است.

«کتاب انقلاب ما قرآن کریم و مجیدی است که از وحی حکیم خبیر منشاء گرفته و در اختیار عامل

◆ طرح تبلیغی تبیین بیانیه‌ی گام دوم انقلاب در ماه مبارک رمضان

و عالم، بزرگ و کوچک و قابل فهم و استفاده همگان است. این رسالت ماست که حجاب‌های افکنده بر چهره‌ی قرآن را کنار بزنیم و آن را از انزوا و غربت خارج سازیم... اکنون نوبت آن است که با تدبر و تعمق در قرآن کریم و با گسترش و تعمیق فرهنگ اصیل قرآنی در سطح جامعه، یکایک رهنمودها و فرامین قرآن را برای تشکیل نظام اسلامی، کامل به کار گیریم و جامعه را قرآن مجسم کنیم.»

۲. جامع‌نگری

در مواجهه با بیانیه، در سه لایه، مباحث دنبال می‌شود. فرامتن، متن و پیامدهای متن.

در لایه فرامتن، به اهمیت، غرض، شأن صدور، زمینه‌های صدور بیانیه می‌پردازیم. در لایه متن، دال مرکزی، محورهای اصلی و ارتباطات میان اجزای متن استخراج می‌شود و در پیامدها، به وظایف عملی و توصیه‌ها می‌رسیم و از تکالیفی که بر عهده اصناف مخاطبین است، سخن گفته می‌شود.

۳. کل‌نگری

با دورهیافت، می‌توان به سمت بیانیه گام دوم رفت و از دو منظر بدان نگریست. یکی رویکرد جزء‌نگر که به اجزاء متن می‌پردازد و تلاش می‌کند هریک از کلیدواژه‌ها، گزاره‌ها و سرفصل‌ها را جدا جدا تفصیل داده و تبیین کند؛ با بسنده کردن به این رویکرد ممکن است غرض اصلی و هدف غایی از صدور بیانیه، پنهان بماند و تبعاً عزمی برای حرکت، در مخاطب پدید نیاید.

رویکرد دوم، که انتخاب و توصیه ما نیز هست، به کلیت متن می‌نگرد و تلاش می‌کند لبّ سخن و دالّ مرکزی کلام را کشف کند و غرض و غایت محوری نویسنده را از صدور بیانیه، به دست آورد. در این صورت، تمامی اجزاء متن، حول غرض اصلی، سامان می‌یابند و معنا پیدامی‌کنند.

۴. انتخاب مخاطب

بیانیه گام دوم، اگرچه خطاب به ملت ایران صادر شده اما در جای جای متن بیانیه، روی سخنش با جوانان است و بارتحقق گام دوم انقلاب را بردوش ایشان که محور امیدها و حرکت‌ها هستند، قرار داده

است.

براین اساس، مخاطب اصلی برای تبیین بیانیه نیز جوانان خواهند بود. بیانیه گام دوم، دعوتی فراگیر از جوانان است که آنان را بیش از پیش به میدان داری پیشبرد نهضت، فرامی‌خواند. این دعوت، باید به صورت گسترده در گفتگو با جوانان اعلام شود و فراخوان رهبری مبنی بر حضور جوانان در مدارهای مدیریتی و عملیاتی مهم و کلان، ابلاغ شود.

اما روی دیگر این دعوت، متوجه عموم ملت ایران است. ملتی که به مهمترین سرمایه‌اش، یعنی نیروی جوان مومن، دانا و پرانگیزه، اعتماد نکند و راه را برای ظهور و بروز این سرمایه بی‌بدیل باز نکند، عملاً از حرکت به سمت قله‌های بلند، محروم خواهد ماند. لذا می‌بایست این سرمایه انباشته را پیش چشم همگان آورد و این تجربه تاریخی ملی را یادآور شد که کورترین گره‌ها به دست جوانان مومن انقلابی، بازشدنی است؛ همان طور که تاکنون نیز چنین بوده است.

«بهترین صنایع ما، پیشرفته‌ترین صنایع بزرگ ما که در رقابت با کشورهای درجه یک دنیا در صدر

فهرست قرار داریم، به وسیله جوان های دعای کمیل
خوان و نماز شب خوان دارد پیشرفت می کند؛
جوان های اهل اعتکاف، جوان های اهل دعای
ندبه، جوان های متدین.»

« محتوای بیانیه گام دوم

به نظر می رسد لب سخن بیانیه گام دوم (جهت
تمرکز تبلیغی روی آن) را می توان در سه محور اصلی
خلاصه کرد:

۱. خودآگاهی تاریخی

مبدأ هرگونه حرکت، معرفت است و حرکت
به سوی آرمان های انقلاب اسلامی، نیازمند فهم
دقیق داریی ها و فقدان دیروز و امروز انقلاب است.

طلیعه سخن رهبر معظم انقلاب در بیانیه، به
ایجاد یک خودآگاهی نسبت به جایگاه انقلاب و
کاری که در عالم کرد و نیز تبیین مسیری که از صفر
و در خلاف جهت جریان حاکم بر جهان دور افتاده از
تعالیم انبیا، و با وجود دشمنی های متعدد و مختلف،
سرافرازانه طی کردیم اختصاص دارد. مسیری که در

طی آن دشمنان این ملت روز به روز ضعیف‌تر شدند و برخی نابود گردیدند. راهی که در آن وعده‌های نصرت الهی را به وضوح دیدیم.

«برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت. اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغ‌ها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت.»

«عرض من این است که آنچه در گام دوم انقلاب باید اتفاق بیفتد اولاً شناختن و جدی گرفتن داشته‌های خود [است]... ثانیاً، آفت‌ها را بشناسیم، فسادها را بشناسیم، راه‌های رخنه دشمن را بشناسیم و در مقابل آنها به‌طور جدی ایستادگی کنیم. امروز گام دوم انقلاب این است: شناختن ظرفیت‌ها و مزیت‌ها و استفاده از آنها، و شناختن فسادها و رخنه‌ها و کمبودها و مشکل‌ها و سینه سپر کردن برای حل آنها.»

۲. ایجاد امید و اراده برای ادامه‌ی مسیر

نتیجه‌ی خودآگاهی، ایجاد امید به آینده و عزم و اراده برای رسیدن به آرمان بزرگ انقلاب یعنی «ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی ارواحنافداه» است. اراده‌ای که در صورت ایجاد آن، رسیدن به اهداف، حتمی است.

اراده، عنصری اکتسابی است که درک موقف کنونی انقلاب، می‌تواند موجب ایجاد و ارتقای آن شود. هرگاه تصویر دقیق از گذشته و حال انقلاب، نقشه‌های متوالی دشمن و دستاوردهای متنوع جبهه خودی در ذهن جامعه انقلابی کامل شد، تصدیق فایده پیمودن گام بعدی در رفتار او محقق خواهد شد. لذا تعالی و تقویت اراده‌ی امت وظیفه‌ی رهبران فکری جامعه است.

«انقلاب ... عنصر اراده ملی را که جان مایه پیشرفت همه جانبه و حقیقی است را در کانون مدیریت کشور وارد کرد.»

«تلاش آن‌ها [دشمنان] این است که نگذارند اراده‌ی ملت ایران برای پیشرفت، برای مقابله، برای ایجاد جامعه‌ی اسلامی و تمدن اسلامی شکل بگیرد؛

می‌دانند اگر این اراده شکل گرفت، بدون تردید تحقق پیدا خواهد کرد.»

«نخستین توصیه من امید و نگاه خوش بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت... سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آنان، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است... شما جوانان باید پیشگام در شکستن این محاصره‌ی تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومیدی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است.»

پرواضح است که اتصال اراده و همم مومنین در امتداد اراده الهی، هم‌امید و خوش‌بینی به آینده رادر قلوب آنان ایجاد می‌کند و هم آنان را از اغیار منصرف می‌کند.

«تمام پیغمبران اولی حرفشان عبارت بوده از اینکه از خدا اطاعت کنید، و از طاغوت، از کسانی که از غیر خدا هستند و می‌خواهند انسان را اسیر کنند و برده کنند، اجتناب کنید؛ اَنْ اَعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»

« این نتیجه مطالعات فراوان و مشاهده‌ی تجربیات خودمان و تجربیات دیگران است: من عرض می‌کنم سیاست و قدرت در غرب، در دولت‌های غربی اعم از آمریکا و اروپا، هم ظالم است، هم زورگو است، هم بی‌منطق است، هم زیاده‌خواه است. این‌ها هیچ منطقی سرشان نمی‌شود؛ با منطق واقعاً [بیگانه‌اند]. در باطن، سیاستمداران غربی آدم‌هایی هستند به معنای واقعی کلمه وحشی.»

«در داخل متأسفانه بعضی‌ها غرب را بزک می‌کنند، رتوش می‌کنند، نمی‌گذارند افکار عمومی متوجه بشود... البته امروز به توفیق الهی جوان‌های مومن ما و مردم انقلابی ما نخواهند گذاشت این تقی‌زاده‌ها حرفشان به کرسی بنشیند»

۳. میدان داری جوانان در مبارزه تمدنی

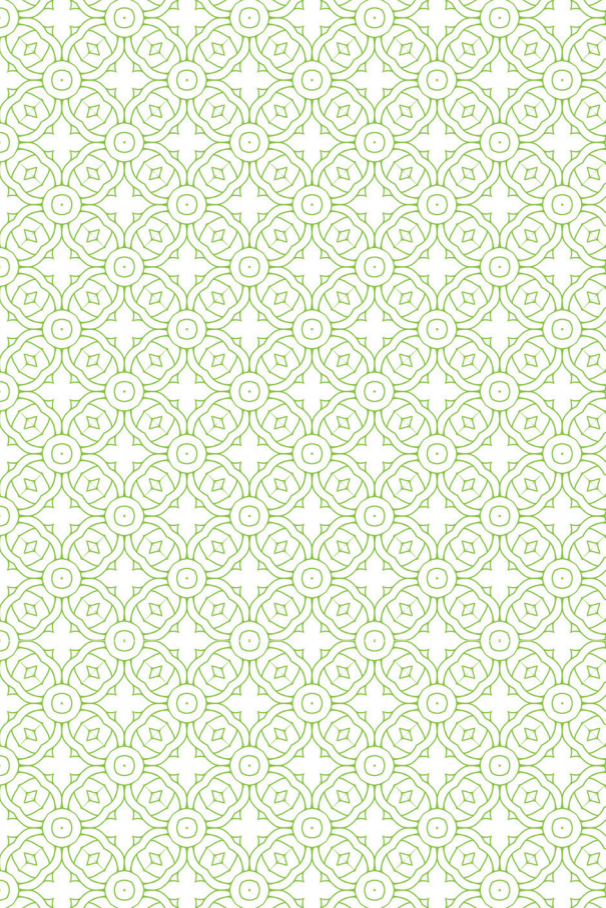
اساساً مفاهیمی چون قیام، استقامت و مقاومت که روح نهضت را تشکیل می‌دهند و برای جهاد و هجرت به سوی آرمان‌های بلند زمینه‌سازی می‌کنند، بدون حضور عنصر جوان و خلاق محقق

◆ طرح تبلیغی تبیین بیانیه ی گام دوم انقلاب در ماه مبارک رمضان

نخواهد شد. این بار را جوانان مؤمن دانا و پرانگیزه می‌توانند به منزل برسانند. نسل جدید روییده در انقلاب باید مسئولیت بپذیرد و شانه‌های خود را زیر این بار بزرگ قرار دهد.

«این بنده ناچیز مایلم با جوانان عزیزم، نسلی که پا به میدان می‌گذارد تا بخش دیگری از جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ را آغاز کند، سخن بگویم... شما باید که باید کار آزموده و پرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هر چه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی ارواحنا فداه است، نزدیک کنید.»

«جوان‌ها باید شانه‌شان را زیر بار مسئولیت‌های دشوار کوچک و بزرگ بدهند؛ علاج مشکلات کشور این است. ما در گام دوم انقلاب بایستی حرکت کشور را بردوش جوان‌ها قرار بدهیم همچنان که در گام اول در دوره‌ی انقلاب هم هدایت را امام می‌کرد اما حرکت را و موتور پیشرفت را جوانان روشن می‌کردند، حرکت را آن‌ها به وجود می‌آوردند.»



سازمان

